

از قلم و رقم افتادن کراوات قرمزِ باراک ااباما

نه در مسجد گذارندم که رند است
نه در میخانه ، کاین خمّار ، خام است

در دنیایی که خواب های آشفته ابلهانش را احمقانش تعبیر می کنند ، و تعبیر احمقانش را ابلهانش تفسیر ، در دنیایی که آب ها و باد هایش نعره می زنند ، در دنیایی که زمینش سرخ و آسمانش سرخ روست ، در این دنیای بی سر و پای درمانده حال ، در این دنیای پر سر و صدای نگون احوال ، آبرو را آب برده ، بی آبرو را گنداب . در این گیر و دار و در این پست و بلندی های نا هموار که طایفه دزدان دریایی بر سر دکل نشسته و اراذل و اوباش محلت در او پیوسته اند ، دُورِ مقدماتی و اول انتخابات امریکا پایان یافته است ولی حکایت درگیری های باراک ااباما همچنان جاری و باقی است . حکایت درازی که مکرر در مکرر با معرکه افکنان کلیسایی و معرکه پسندان ترسای تکرار می شود . و نمونه بارزش کاریکاتور مجله نیویورکر است دوشنبه چهاردهم جولای که باراک ااباما را در کسوت مسلمانان و میشل ااباما را در هیبت تروریست ها ، پرچم امریکا را در آتش و تصویر بن لادن را بر دیوار نشان می دهد و در این مجموعه می خواهد بگوید ااباما مسلمان است و چون مسلمان است پس تروریست است و چون تروریست است پس پرچم امریکا را به آتش می کشد در نتیجه چون مسلمان است و تروریست است و پرچم امریکا را هم آتش می زند ، پس از طرفداران و شورشیان بن لادن است . این سوی منفی کاریکاتور است و سوی مثبتش رکود ذهنی و انحطاط فکری جامعه خود را منعکس می کند که هنوز با اینهمه دبدبه و کبکبه نتوانسته است سیاه و سفید را درکنار هم بنشانند و حقوق همانندی را برای هر دُوّان از هر نژاد و دین و مذهب بپذیرد . که در ذهن کوتاه و زبان دراز این جماعت ، مسلمان آدم نیست و آن آدم است که از خدای ساخته و پرداخته دماغ علیل و بیمار خود به کشتن و سوختن و درهم آشفتن دنیا فرمان می گیرد و انبوه مردگان ، سوختگان و از نفس افتادگان را حضورش گزارش می کند که گویا به علت جفتک اندازی بی بند و بار و پای در گل ماندن این بنده درمانده خوار ،

فرمان آتش بس از آن بالا به این پایین نمی تواند فرود آید . این است که امروز هم با همان حقه و ترفند پنجاه شصت ملیون (شماره دقیقش یادم نیست) رای دهنده ساده لوحش را می فریبد که هنوز از کشته پشته باید ساخت و هنوز شمشیر گردن کشی باید برافراخت .

اینکه ساده لوحانِ ملیونیِ دیروز امروز هم بعد از اینهمه گرفتاری با همان افول ذهنی و با همان نقصان سلول های مغزی همان رقم را خواهند ساخت یا نه و جرج بوش دیگری را تحویل دنیا خواهند داد یا نه این را رای دهندگان مک کین مشخص خواهند کرد .

مدیر نیویورکر در پرسش و پاسخ CNN ، این کاریکاتور موهن و زشت را در لفافه طنز می پیچد و می گوید این satire است و مجموعی ست از آنچه که تا به حال در باره اباما مطرح بوده است .

از خیر و برکت طنز به معنای هجوش که بگذریم راست می گوید همه اینها مستقیم و غیر مستقیم برای در هم شکستن توان مبارزه انتخاباتی اباما از سوی رقبا و رسانه ها و مردم نا آگاه به کرات مطرح شده و زمینه ساز این هجو اهانت بارگشته که چندان لزومی هم به تصویرگری نداشته است . بعید نیست دو روز دیگر این مدعیان آزادی و آبادی اباما را با توبره سیاهی که به سرکشیده ، در حال گردن زدنِ گروگانی به نمایش بگذارند . حضور باراک اباما به عنوان نامزد ریاست جمهوری امریکا سبب شده است جمعیت سیاه پوست امریکا با حرمت و توان و نیروی تازه ای مطرح شود و ترشروبی و مزخرف گویی برخی را برانگیزد و در عین حال تصویرگر نژاد پرستی و دین ستیزی این قاره مدعی برتری و بالاتری در دنیا باشد .

حال این سیستم تبعیض و نابرابری که همانندی شهروندان در سرزمین و خانه خودشان بر دوشش سنگینی می کند چگونه ممکن است باری از دوش خسته غیر خود بر دارد . آنچنان سر در گریبان خودپرستی و پای در رکاب درازدستی دارد که با چندین و چندان چراغ و مشعل خروش دریا و خشم ساحل را نمی بیند و درک نمی کند که دوران موالی گری از زمان کودتای ننگین و شرم آور ۲۸ مرداد سپری گشته و غلامان حلقه به گوشش به درک واصل شده اند و نمی فهمد که جهان سوم همان دریای خروشان و همان ساحل خشمناک است که ظلم و ستم خودی را به جسم و جان هموار می کند ولی فضولی و دخالت سودجویانه بیگانه را نمی پذیرد .

بعداز آتش بازی دنیا سوزِ جرج بوش امید بر این است باراک اباما که توفیق بیشتری برای انتخاب شدن دارد آرامش نسبی برای دنیا و مردم امریکا فراهم آورد و این هر دو را از گندابی که لاشخورانِ معاصرش ببار آورده اند به نیروی جوانی و حرمت و پاسداشت انسانی رهایی بخشد .

پایان سخن این است علاوه بر آنچه که هفته نامه نیویورکر ارائه داده نشان روی کت اباما ، کراوات آبییش هم رنگ کت شلوار هیلاری کلینتون به وقت پشتیبانی کلینتون از او ، طرز لباس پوشیدن میشل اباما ، گفتگوی تلویزیونی فرزندانش روز ها و ساعت ها مطرح و مورد حرف و سخن بوده و واژه های جوان نا آگاه ، نادان ، بی تجربه و را نیز در میان گرفته است . **ولی آنچه که از قلم و رقم افتاده**

کراوات قرمز آقای اباما است که می تواند دلیل کمونیست بودنش هم باشد!!

ونکوور ، ۱۴ جولای ۲۰۰۸